

مقایسه تطبیقی آرا و اندیشه‌های تفسیری علامه فضل الله و سید قطب در مسائل

حکومت

محمود صادقی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸
تهمینه پارسائی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲
فیض اله اکبری دستک^۳
چکیده

موضوع پژوهش حاضر، مقایسه تطبیقی رویکرد اجتماعی تفسیر من وحی القرآن با تفسیر فی ظلال القرآن در مسائل مربوط به حکومت است. این پژوهش، نظری و با رویکرد تطبیقی - مقایسه‌ای است. هدف از این پژوهش، آگاهی از آرا و اندیشه‌های صاحب نظران شیعه و اهل سنت در خصوص چگونگی مسئله حکمرانی در جوامع مسلمین و تشریح هر چه بهتر و دقیق‌تر آیات قرآن کریم در زمینه مسائل مربوط به سیاست و حکومت در جامعه مسلمین با مقایسه اندیشه علامه فضل الله و سید قطب به‌عنوان دو متفکر و اندیشمند جهان اسلام است. مراد از مسائل حکومتی، مسائل مرتبط با شیوه مدیریت و اداره جامعه مسلمین است؛ مسائلی مانند چگونگی حکومت، صفات حاکمان، جایگاه مردم در حکومت، قانون، اقتصاد، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی. پرسش اصلی و بنیادی این پژوهش آن است که چه شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادین در شیوه تحلیل و تفسیر آیات قرآن کریم در موضوع حکومت از منظر علامه فضل الله و سید قطب وجود دارد؟ از یافته‌های این پژوهش آن است که تبیین و برداشت از آیات قرآن کریم متأثر از مبانی اعتقادی و علمی و شرایط خاص جغرافیایی و فرهنگی هر مفسر است؛ بنابراین، با توجه به مشابهت در اصول و مبانی تفسیری، در اغلب موضوعات تفسیری دیدگاه‌های مشابهی دارند و تفاوت آرا معطوف به جزئیات و نحوه اجرای قوانین است. کلیدواژه‌ها: سید قطب، علامه فضل الله، حکومت، من وحی القرآن، فی ظلال القرآن.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: sadeghi. ma57@gmail. com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول): ptahminaa@yahoo. com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: f. akbari@kia. ac. ir

مقدمه و بیان مسئله

حکومت مسئله‌ای است که جوامع مختلف با آن درگیر و روبرو هستند. در قرآن کریم در مورد چگونگی حکومت، صفات حاکمان، نقش مردم در حکومت و قوانین حکمرانی آیات متعددی وجود دارد. در شریعت اسلام که به تصریح قرآن، تعالیم آن منطبق بر فطرت انسان و متناسب با نیازهای متنوع اوست، بر نیاز اساسی بشر به حکومت و ضرورت حکومت در جامعه اسلامی تأکید شده است. مسائل مربوط به حکومت همواره از موضوعات بسیار چالش برانگیز در میان علما و صاحب نظران از گذشته تاکنون بوده است.

اولین آیه‌های تشکیل حکومت اسلامی در سوره مائده آمده است. خداوند در این سوره می‌فرماید: **وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ** (مائده/۴۴)؛ و کسانی که مطابق آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم نکنند، کافرند. همچنین در آیات متعدد دیگری^۱ در این سوره به ضرورت و لزوم برپایی حکومت الهی اشاره شده است. در آیه ۴۹ سوره مائده، به صراحت فرمان اجرای دستورات خداوند را در اجتماع، توسط رهبری الهی می‌دهد و وضعیت اعراض‌کنندگان از حکم خدا را بیان می‌دارد.

در بین شخصیت‌های اندیشمند تاثیرگذار در موضوع حکومت اسلامی در عصر حاضر، می‌توان به سید محمد حسین فضل‌الله از علمای شیعی و سید قطب از علمای اهل سنت اشاره کرد؛ از این رو، در این پژوهش سعی شده است، با اخذ اصول اندیشگانی این دو متفکر در ابتدا چهارچوب نظرات ایشان درباره حکومت تبیین و سپس به مقایسه و سنجش نظرات ایشان در موضوع حکومت اسلامی پرداخته شود.

اهداف و پرسش

هدف اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی حکومت، صفات حاکمان و نقش مردم در حکومت و قوانین حکمرانی در قرآن کریم از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت است. از این رو، در این پژوهش به مقایسه تطبیقی آرای تفسیری دو شخصیت تاثیرگذار در بحث حکومت اسلامی یعنی علامه فضل الله از علمای شیعی و سید قطب از علمای اهل سنت در مورد حکومت و مسائل مربوط به آن، پرداخته شده است.

این دو اندیشمند نظرات خود در باب حکومت را در کتاب های تفسیری خود؛ یعنی «من وحی القرآن» تألیف سید محمد حسین فضل الله و تفسیر «فی ظلال القرآن» تألیف سید قطب و برخی از دیگر آثارشان تبیین کرده اند.

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: آرا و اندیشه های تفسیری علامه فضل الله و سید قطب در مسائل حکومت چه اشتراکات و افتراقاتی دارد؟

سوالات فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. هدف و ماهیت حکومت در جامعه اسلامی از نظر علامه فضل الله و سید قطب چیست؟

۲. ویژگی های حاکم اسلامی از نظر علامه فضل الله و سید قطب چیست؟

۳. حکومت ایده آل از نگاه علامه فضل الله و سید قطب چه حکومتی است؟

۴. نقش و جایگاه مردم در حکومت از نظر علامه فضل الله و سید قطب چیست؟

۵. از نظر علامه فضل الله و سید قطب، شورا چه جایگاهی در حکومت دارد؟

۶. جایگاه دموکراسی در حکومت از نظر علامه فضل الله و سید قطب چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در خصوص این پژوهش تحقیقات متعددی بطور مستقل و با محوریت یکی از تفاسیر فوق و یا به شکل مقایسه ای شکل گرفته است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. کتاب «اندیشه سیاسی سید قطب» نوشته عفت علیپور؛ کتاب حاضر، اندیشه های سیاسی سید قطب، زندگی نامه وی و تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری دوران او و تاثیر این تحولات بر اندیشه سید قطب و ارکان و مشخصه های اندیشه وی را درگذر از تحولات قرن بیستم در مصر از جمله تقابل سنت و مدرنیته و نهضت استعمارستیزی و حرکت بنیادگرایی، از ناسیونالیستی به اصولگرایی اسلامی و پس از آن از صورت تئوری به عملگرایی را مورد بررسی قرار داده است. (علیپور، ۱۳۸۹)

۲. کتاب «اندیشه های سیاسی سید قطب» نوشته سیروس سوزنگر؛ وی در این نوشتار، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سیاسی سید قطب تحلیل و بررسی شده است. در این کتاب علاوه بر طرح «زندگی و محیط فکری سید قطب»، «ویژگی های آیین اسلامی از دیدگاه سید قطب» و «عدالت اجتماعی در اسلام از دیدگاه سید قطب» به «شیوه حکومت در اسلام از دیدگاه سید قطب» پرداخته شده است. (سوزنگر، ۱۳۸۳)

۳. پایان نامه «بررسی تطبیقی رویکرد اجتماعی در تفسیر فی ظلال القرآن و من وحی القرآن» پایان نامه کارشناسی ارشد خدیجه جلالی، وی در این نوشتار،

دیدگاه‌های دو مفسر را در موضوعات اخلاقی - تربیتی و حقوقی مورد بررسی قرار داده است. (جلالی، ۱۳۹۵)

۴. مقاله «اندیشه‌های سیاسی آیه الله محمد حسین فضل‌الله» نوشته مجید مرادی؛ در این پژوهش نص و واقعیت دو منبع عمده اندیشه سیاسی فضل‌الله قلمداد شده است. نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه نصوص دینی نظامی است که عدالت و آزادی را تأمین کند اما شکل این نظام با توجه به ضرورت‌ها و اقتضائات هر دوره و با عیار کارآمدی سنجیده و تعیین می‌شود. (مرادی، ۱۳۸۱)

۵. مقاله «بازسازی حکومت اسلامی در اندیشه سید قطب» نوشته رشید رکابیان؛ در این پژوهش به لزوم پیوند حکومت با حکمت از دیدگاه سید قطب می‌پردازد. بر اساس این تحقیق در اندیشه سید قطب بحران، انحطاط جامعه اسلامی، استبداد ناسیونالیستی و استعمار است و دلیل بروز آن، جدایی حکومت از حکمت و آرمان او پیوند حکومت با حکمت و راه حل نیز بازسازی حکومت اسلامی است. (رکابیان، ۱۳۹۲)

۶. مقاله «بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن» نوشته ابوطالب آدینه‌وند و خلیل پروینی؛ یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که دو مفسر مذکور، ذیل نظریه حق الهی قدرت و اقتدار آسمانی، به مسئله حکومت و مشروعیت آن نظر می‌کنند، اما بر سر اینکه چه کسی واجد مشروعیت برای حکمرانی است، با هم اختلاف نظر دارند. (آدینه‌وند و پروینی، ۱۳۹۷)

۷. مقاله «حکومت اسلامی از دیدگاه ماوردی، ابن تیمیه، سید قطب و عبدالسلام فرج» نوشته زهرا محمدی؛ این مقاله با بیان اندیشه چهار تن از

اندیشمندان اهل سنت و سلفی، یعنی ماوردی در احکام السلطانیه، ابن تیمیه در السياسه الشرعیه، سید قطب در معالم فی الطریق و عبدالسلام فرج در الفریضه الغائبه نوع نگاه ایشان را به حکومت، خلیفه و ویژگی های حکومت و حاکم اسلامی مشخص می‌کند. مقاله حاضر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، اهداف حکومت اسلامی، ویژگیهای حکومت اسلامی، ارکان حکومت اسلامی، چگونگی تعیین حاکم اسلامی، شرایط حاکم اسلامی و وظایف حاکم اسلامی را از دیدگاه اندیشمندان فوق بررسی می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۸)

۸. مقاله «بررسی مفهوم حکومت اسلامی در اندیشه های سیاسی سید قطب» نوشته محمدمهدی صالح و فتحعلی همتی؛ در این مقاله چنین بیان می‌کند که سید قطب معتقد به تشکیل حکومت اسلامی و گسترش ایدئولوژی اسلامی و مخالف استفاده از اندیشه‌ها و نظام‌های به عاریت گرفته شده غربی همانند دموکراسی در حکومت اسلامی است. ایشان با نگرشی جامع گرایانه به اسلام معتقد بود که حکومت اسلامی و لوازم آن در متن مقدس و تجربه اسلامی وجود دارد و نیازی به بهره‌گیری از مفاهیم غربی نیست. (صالح و همتی، ۱۳۹۷)

۹. مقاله «مقایسه تطبیقی بین آرا و اندیشه های سید قطب و امام خمینی پیرامون حکومت اسلامی» تألیف آقای جلال درخشه و حمزه نجاتی؛ در این مقاله تلاش شده است تا با به کار بستن رویکردی تطبیقی - مقایسه‌ای مفهوم حکومت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به‌عنوان نظریه پرداز و رهبر تجربه موفق جمهوری اسلامی و سید قطب به‌عنوان الهام‌بخش

بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان عرب مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.
(درخشه و حمزه نجاتی، ۱۳۹۴)

وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌هایی که به برخی از آنها اشاره شد، در این است که تاکنون هیچ پژوهشی به صورت متمرکز به تطبیق اندیشه علامه فضل‌الله با سید قطب نپرداخته است.

مفاهیم پژوهش

۱. حکومت

حکومت در لغت در معانی قضاوت کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن، حکم راندن و فرماندهی بکار رفته و حکومت راندن به معنای اعمال و به کار بردن سلطه و قوه حاکمی. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) همچنین گفته شده: «أصل الحکومی ردّ الرجل عن الظلم»؛ معنای اصلی حکومت باز داشتن فرد از ظلم و ستمگری است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۴۲)

برای حکومت تعاریف مختلفی وجود دارد که در حقوق و علوم سیاسی به سه معنا تعریف می‌شود:

۱. عمل حکومت و رهبری؛

۲. رژیم سیاسی؛

۳. طرز اعمال حاکمیت. (قاضی، ۱۳۹۸: ص ۱۰۲)

اندرو وینسنت جامعه شناس و متفکر علوم سیاسی سه معنا برای حکومت دارد که

عبارتند از:

۱- شخص یا اشخاصی که عمل حکمرانی را انجام می‌دهند.

۲- قوه مجریه در مقابل قوه مقننه و دیگر قوا به معنای مناصب اجرایی

۳- گروه سیاست گزارانی که قوانین را تصویب و اجرا می‌کنند. (وینسنت، ۱۳۹۱:

ص ۵۵)

عمید زنجانی حکومت را به معنای سازمانی که دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه باشد، تعریف می‌کند که دولت به وسیله این نهادها تجلی و اعمال حاکمیت می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۲)

در تعریف دیگری از شهید صدر آمده است که «حکومت در اسلام عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم اسم راعی و بر فرمانبرداران نام رعیت اطلاق شده است» (جمشیدی، ۱۳۷۷: ص ۱۱)

با توجه به تعاریف فوق، در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که حکومت، نوع سازماندهی و تجلی بیرونی حاکمیت و قدرت سیاسی که جزءتشکیل دهنده دولت یا کشور است، می‌باشد. که دولت به وسیله حکومت اعمال حاکمیت می‌کند.

۲. قانون

قانون در زبان یونانی از کانون به معنی قاعده و ترتیب اتخاذ شده است و منظور از آن قواعد کلی است که بطور یکسان بر یک سلسله از امور شمول داشته باشد. مانند قانون عرضه و تقاضا در اقتصاد و یا قانون جاذبه در علوم طبیعی. منظور از قانون در اصطلاح عبارت است از احکام و مقررات الزام آور که توسط مقامی که اختیار قانونگذاری دارد وضع و به موقع اجرا گذارده شود.

۳. حاکم

حاکم در لغت به معانی قاضی، داور، فرمانروا، اجراکننده حکم و متصدی اداره یک

ایالت یا بخش از جانب حکومت است. (فیروز آبادی، ۱۳۷۴: ذیل حاکم) در قرآن کریم واژه حاکم به صورت مفرد به کار نرفته، ولی به صورت جمع با تعبیر «حُکام» (بقره/۱۸۸) و چندین بار نیز با تعابیر «خیرالحاکمین» (اعراف/۸۷؛ یونس/۱۰۹، یوسف/۸۰) و «احکم الحاکمین» (هود/۴۵، تین/۸) در مورد خداوند ذکر شده است.

۴. شورا

شورا (به ضم اول و فتح را) کلمه عربی بوده و به معنای مشورت کردن است. شورا که از واژه (شور) گرفته شده است به معانی متعدد و مفاهیم مختلف بکار رفته است. از نظر اصطلاحی، شورا به معنای اظهار نظر خواستن از دیگران و دخالت دادن آنها نسبت به یک امر و پرهیز از تک روی و استبداد رأی می‌باشد. (شکوری، ۱۳۷۷: ص ۲۷۷)

در اصطلاح علوم سیاسی، حقوقی و اجتماعی (شورا) عبارت است از: نظرخواهی از یک یا چند نفر، به منظور دسترسی به رأی صایب و درست (الهی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲)

در قرآن کریم شورا در چهار مفهوم در آیات زیر بیان شده است: مهربانی در هنگام شور (آل عمران/۱۵۹) اجابت امر خدا (شوری/۳۸) مشورت در خصوص فرزندان (بقره/۲۳۳) شنیدن همه سخنان و عمل به بهترین آن (زمر/۱۸)

۵. دموکراسی

دموکراسی مانند بسیاری از اصطلاحات اصلی علم سیاست، در اصل، واژه‌ای است یونانی که از دو واژه کوتاه‌تر «دموس» و «کراتوس» تشکیل شده است. هر دو اصطلاح چند معنا دارند. دموس می‌تواند هم به معنای کلیه شهروندانی باشد که در شهر زندگی می‌کنند و هم به معنای «اراذل و اوباش» یا «توده عوام» و یا «اقشار فرودست» به کار رود. «کراتوس» می‌تواند هم به معنای «قدرت» و هم به معنای «قانون» باشد که این دو معنای یکسانی

ندارند. (آریالستر، ۱۳۷۹، ص ۲۹) اساساً دموکراسی قبل از هر چیز و بیش از هر چیز یک مجموعه مفهومی سازمان یافته است که بر حق حاکمیت بالذات و مستقل از خداوند و قانون آسمانی بشر و نیز حق اصیل و بالذات و مستقل و منقطع از وحی بشر در امر قانون گذاری تاکید می کند. (رک: زرشناس، ۱۳۸۷)

روش پژوهش

روش تحقیق ترکیبی از روش های زیر است:
روش تحلیلی تاریخی: چون می بایست سوابق فکری و اندیشه ای علامه فضل الله و سید قطب در خصوص حکومت مورد بررسی قرار گیرد.
روش مقایسه ای: به دلیل قیاس فکری و اندیشه ای علامه فضل الله با سید قطب در خصوص حکومت.
روش تحلیل محتوای متون: با توجه به بررسی آثار و کتب اندیشمندان مورد بحث و کتاب ها و مقالاتی که درباره آن ها نگاشته شده است.

یافته های تحقیق

۱. ضرورت تأسیس حکومت

۱-۱. ضرورت تأسیس حکومت از دیدگاه علامه فضل الله

با توجه به سابقه فعالیت های سیاسی علامه فضل الله، او اندیشمندی مبارز و دارای آرای روشنی در حوزه اندیشه سیاسی است. ایشان بر خلاف اغلب نظریه پردازان مکتب جبل عامل تصریحات روشنی در مورد ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، هم در حوزه نظر و هم در عمل دارد و علی رغم وجود طوایف مختلف از جمله حضور قوی مسیحیان در

پست‌های اصلی، بر تشکیل حکومت اسلامی در لبنان تأکید داشتند. (ناظمیان، ۱۳۸۱: ص ۱۱۷)

علامه فضل‌الله در خصوص ضرورت تأسیس حکومت اسلامی می‌گوید: «ما معتقدیم پرداختن به ابعاد گوناگون این مسئله بسیار ضروری است؛ زیرا تنها این راه قادر است که توانایی لازم برای برخورد با مبارزه طلبی‌ها و عرض اندام‌های جریانهای فکری مختلف را به اسلام دهد و همین عامل است که به خدمتگزاران اسلام دیدگاه روشنی از چگونگی ذات اسلام از لحاظ فکر، شریعت و راه و روش زندگی در مورد نیازهای واقعی انسان امروز ارائه می‌کند.» (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ص ۱۷) ایشان اعتقاد، معنویت و داشتن اصول حرکت و فعالیت را از پایه‌های استواری می‌داند که امت اسلامی را قادر به برپایی نظام اسلامی می‌کنند و این گونه ایدئولوژی و اعتقادات از طریق ساختار دولت در بستر اجتماع گسترش می‌یابد تا به واسطه آنها ارزش‌های فکری و اخلاقی فردی و اجتماعی در رگ‌های جامعه اسلامی به جریان افتد. (همان، ص ۴۵)

۱-۲. ضرورت تأسیس حکومت از دیدگاه سید قطب

سید قطب به نقش اسلام در تمام جنبه‌های حیات فردی، اجتماعی و سیاسی معتقد است و تلاش می‌کند نشان دهد اسلام در درون خود دارای نظام توسعه است. وی اسلام را برنامه‌ای می‌داند که با واقعیت زندگی سروکار دارد. به اعتقاد او، اسلام اگر بخواهد عامل نجات باشد، باید حکومت کند و شریعت اسلام قادر است با پیشرفت و تجدد حیات بشری هماهنگ باشد. (سید قطب، ۱۳۶۰: ج ۴، ص ۳۳) به اعتقاد سید قطب، حاکمیت الهی بر دو پایه است: نخست آنکه عبودیت تنها برای خدا باشد، تا از حاکمیت بشر و سلطه طاغوت‌ها رها گردد، که شامل همه نظام‌های دموکراتیک، سوسیالیست و سکولار می

شود؛ دوم آنکه اجتهاد در اموری از شریعت درست خواهد بود که نصّی درباره آن در دست نباشد؛ هر چند مشروعیت این اجتهاد منوط به سیادت حاکمیت الهی و عمل به شروط آن است. (همو، ۱۳۹۷: ص ۱۰)

سید قطب در خصوص ضرورت تأسیس حکومت اسلامی معتقد است، جامعه امروز، جامعه‌ای جاهلی است و برای برون رفت از این دوران ناگزیر به بازگشت به قرآن در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی هستیم و از سویی عصر خلفای راشدین و سلف صالح را جامعه‌ای آرمانی می‌پندارد؛ بنابراین، وی راه‌های خروج از جامعه جاهلی امروز را دستیابی به الگوهای زندگی اجتماعی و سیاسی سلف صالح معرفی می‌نماید. (همان، ص ۱۸) و بر ضرورت تشکیل حکومت همچون حکومت پیامبر (ص) در صدر اسلام اعتقاد دارد.

۱-۳. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب در ضرورت تأسیس حکومت
با اینکه هر کدام از آنها در تبیین ضرورت تأسیس حکومت تفاوت‌هایی دارند؛ اما در واقع با یکدیگر مشترکند و می‌توان اشتراکات ذیل را از کلامشان برداشت کرد:

۱. هر دو تأسیس حکومت اسلامی را ضروری می‌دانند.
۲. هر دو برنامه اسلام را در همه ابعاد زندگی بشر می‌دانند که لازمه اجرایی و اثربخش شدن آن، ایجاد حکومت است.
۳. هر دو برای مقابله اسلام با دیگر جریان‌های فکری و نظام‌ها، حکومت را لازم می‌دانند.

۲. هدف از تشکیل حکومت اسلامی

۲-۱. هدف از تشکیل حکومت از دیدگاه علامه فضل الله

علامه فضل الله هدف از ایجاد و به دست گرفتن قدرت را نزدیک کردن معنای دو

مفهوم اسلام و مسلمانی می‌داند، تا مغرضان و مدعیان نگویند که اسلام یک چیز است و مسلمانی چیز دیگری. (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ص ۴۵) او هدف سیاست را همان هدف عمده ادیان الهی که اقامه عدل و قسط است، می‌داند. از دیدگاه فضل‌الله، حکومت در اسلام حکومت الهی یا یزدان سالاری بدان معنا که در غرب شناخته شده نیست، که بر اساس آن حاکم به نام خدا و به کام سلیقه شخصی خویش حکومت می‌کند، بلکه اسلام حکومت را وظیفه‌ای اجتماعی می‌داند که بر اساس آن شأن و جایگاه رهبری، روبه رو شدن با مسائل جامعه از دریچه شریعت اسلامی است، به طوری که رهبر هیچ گاه نمی‌تواند با نادیده گرفتن اصول موضوعه حکومت در اسلام از قدرت استفاده شخصی کند. (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ص ۲۴)

فضل‌الله معتقد است، نباید تنها هدف انسان مسلمان از فعالیت سیاسی، دستیابی به حکومت اسلامی بدون ملاحظه مقتضیات زمانی باشد. اگر هدف، فقط رسیدن به قدرت و حکومت باشد، در صورت تحقق نیافتن شرایط آن هدف بزرگ، باید از صحنه سیاست کناره جست و در انتظار فرصت تازه‌ای دست از هر فعالیت سیاسی کشید؛ در حالی که از دیدگاه اسلام فعالیت سیاسی زمان بردار نیست و باید برای دست‌یابی به آن مقصد عالی، سطوح گوناگون کنش سیاسی را تجربه و اهداف میانی‌ای را تعریف کرد که زمینه را برای تحقق آن هدف بزرگ آماده می‌کنند. (همو، ۱۹۹۸: ج ۴، ص ۲۶۸) در نتیجه برای تبلور شخصیت فرد مسلمان و جامعه اسلامی باید در کنار توانمند ساختن دولت اسلامی، جنبه فکری، روانی و عملی تربیت اسلامی را نیز به حرکت درآوریم تا فرد مسلمانی انسان دولت‌مدار، با تحرک و فعال باشد، نه انسانی که اگر تحت تأثیر پیشامدها -درونی و عاطفی- قرار گیرد دگرگون شود؛ بلکه در عین تلاش و کوشش برای زندگی روزمره، باید رابطه عمیق خود را با

خداوند حفظ کند و تمام عرصه‌های مبارزه با کفر و ظلم را به عنوان جبهه‌های جهاد و شهادت بپذیرد. (همو، ۱۳۹۶، ص ۴۳)

۲-۲. هدف از تشکیل حکومت از دیدگاه سید قطب

از دیدگاه سید قطب، هدف از برپایی جامعه و حکومت اسلامی بازگرداندن حاکمیت به خداوند است تا با همان سلطه‌ای که بر بُعد غیر ارادی انسان‌ها حاکم است بر بُعد ارادیشان نیز حاکم باشد؛ زیرا این جاهلیتی که براساس حاکمیت بشر بر بشر به وجود آمده است، بین بُعد ارادی و بُعد فطری حیات وی تضادم ایجاد کرده است، پس آرمان این حکومت که حکومتی اسلامی است، بازگرداندن انسان به قلمرو الوهیت، ربوبیت، قیومیت و حاکمیت خدای یکتا و به ظهور درآوردن انسانیت انسان است. (سید قطب، ۲۰۰۷: ص ۵۶)

۲-۳. مقایسه دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب در هدف از تشکیل حکومت

فضل الله و سید قطب به مسئله حکومت به عنوان يك «وسیله» برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی می‌نگرند. اهدافی مانند آگاهی بخشیدن به انسانها، تربیت معنوی و اخلاقی انسان، برپایی عدل به صورت خود جوش و برخاسته از متن جامعه، آزادی انسان‌ها از زنجیر اسارت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و... واضح است که فقط يك حکومت نیرومند و صالح می‌تواند این اهداف را با ایجاد يك شبکه وسیع برنامه‌ریزی که از طریق بیت المال تغذیه می‌گردد و جهت اصلی آن انسان‌سازی و پیشرفت علم و فرهنگ است، پیاده کند.

۳. جایگاه قانون در حکومت

۳-۱. قانون از دیدگاه علامه فضل الله

از دیدگاه فضل‌الله قانون برای حکومت در اسلام، قوانین اسلامی‌اند که از قرآن و سنت قطعی برداشت می‌شود. از این رو او برای اسلام دو کارکرد عمده در نظر می‌گیرد که یکی نشر و ترویج دعوت و دیگری تأسیس دولت بر مبنای شریعت است. (مرادی، ۱۳۸۱: ص ۶۷)

نکته دیگری که علامه در خصوص قوانین اسلامی بیان می‌کند، مسئله پویایی اجتهاد و فقه است که باعث شده که فقه اسلامی در مقایسه با دیگر قوانین به یک طرح عملی گسترده از لحاظ وسعت دیدگاه، موشکافی و دقت در مشکلات زندگی تبدیل شود و یکی از بزرگترین منابع و سرمشق‌های قانون‌گذاری در جهان باشد. (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ص ۳۰)

۳-۲. قانون از دیدگاه سید قطب

سید قطب در خصوص قوانین جامعه اسلامی در ذیل آیه ۵۹ سوره نساء می‌گوید: «از ویژگی‌های الوهیت این است که وضع قانون کند و بنابراین، واجب است قانون خدا اجرا شود. (سید قطب، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۱۶) در مقدمه همین سوره، هدف از این مقررات و قوانین را انتقال جامعه مسلمانان از سیستم زندگی جاهلی به سیستم زندگی اسلامی می‌داند. همچنین مراد این قوانین را نابودی سیمایهای جاهلیتی می‌داند که در طول روزگاران، ته نشین شده و ریشه دوانده است و نیز استوار داشتن سیمایهای اسلامی تازه و نوین و بالا بردن جامعه مسلمانانی که برنامه یزدانی، ایشان را از ژرفای دره جاهلیت برگرفته است و هم اینک در پرتو رهنمودهای آسمانی ایشان را از مراحل ترقی، منزل به منزل فراتر می‌برد تا به اوج تعالی می‌رساند. (سید قطب، ۱۳۸۶: ج ۲ ص ۷)

وی در جای دیگر یادآور می‌شود که دین در جامعه‌ای که از ابتدا به حاکمیت خداوند اقرار کرده است جز به تناسب حالات و رخدادهای واقع، قانون وضع نمی‌کند. این دین تنها

در این هنگام و برای مردمی نظم و قانون وضع می‌کند که نظم و قانون این دین را گردن نهاده و سایر نظم و قانون‌ها را نفی کرده باشند» (همو، ۱۳۹۷: ص ۳۸) ویژگی‌های قوانین اسلامی از نظر سید قطب عبارتند از:

- شامل و کامل بودن برای زندگی مردم

- متکی بر دانش و آگاهی مطلق از حقیقت انسان و حقیقت جهان

- استواری بر دادگری مطلق

- هماهنگی با قانون سراسر هستی

- رها بودن انسان از بندگی بندگان (همان، ص ۴۳۵)

۳-۳. مقایسه جایگاه قانون از دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب

به نظر می‌رسد که هر دو مفسر سرمنشأ قوانین جاری در جامعه را محض قوانین الهی می‌دانند بدون آن که برای حاکمان اختیار تشریح و قانون‌گذاری در نظر گیرند، از منظر آنان وظیفه حاکمان نشر و ترویج و اجرای قوانین الهی است، چنانچه سید قطب اعتقاد دارد که کلیه قوانین الهی به تناسب حالات و رخدادهای واقعی است. هر دو معتقدند، قوانین اسلامی پس از گذشت قرن‌ها پاسخگوی نیازهای اساسی جوامع بشری است، چون قوانین آن توسط خداوند حکیم و خبیر پایه ریزی شده؛ بنابراین، در خصوص موضوع قانون هم عقیده‌اند و اختلاف نظری ندارند بجز در منابع استنباط برخی از احکام فقهی که آنها هم بخش از قوانین را تشکیل می‌دهند، بخاطر اختلاف دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت ممکن است برداشت‌های مختلفی داشته باشند.

۴. ویژگی‌های حاکم

۴-۱. ویژگی های حاکم از دیدگاه علامه فضل الله

علامه فضل الله معتقد است؛ «حکومت وظیفه‌ای اجتماعی است که بر اساس آن شأن و جایگاه رهبری، روبه رو شدن با مسائل جامعه از دریچه شریعت اسلامی است، به طوری که رهبر هیچ گاه نمی‌تواند با نادیده گرفتن اصول موضوعه حکومت در اسلام از قدرت استفاده شخصی کند. (فضل الله، ۱۹۹۸: ص ۲۴) حاکم اسلامی موظف به پایبندی به مقررات معینی است و تا زمانی که پایبند این مقررات است حق حکومت دارد و هرگاه از این مقررات تجاوز کرد از حکومت عزل می‌شود؛ بنابراین، دولت اسلامی، دولت حاکم مطلق نیست که بنا به سلیقه و افکار شخصی خود به نام خدا حکومت کند، هر چند حاکم در دولت اسلامی به نام شریعت خدا حکومت می‌کند. اگر حاکم اسلامی معصوم باشد، در تبلیغ و حکومتش در خط عصمت حرکت می‌کند، ولی در سطحی به دیگران اجازه پرسشگری از رفتارها و مواضع خود را می‌دهد؛ این حاکم اسلامی‌ای که فرقه‌ای از مسلمانان قائل به عصمت او هستند، مردم را به نقد خود و نظارت بر اعمالش و گفتن سخن حق، هر چند تلخ و دادخواهی تشویق می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت که حکومت اسلامی، حکومتی مدنی است که در خط الهی حرکت می‌کند. (همو، ۱۹۹۵: ص ۱۲) ایشان قدرت و توانایی لازم با تهدیدهای بیگانگان و توانایی مدیریت و مرجعیت را از شرایط احراز رهبری می‌داند. (همو، ۱۳۹۶: ص ۴۳)

۴-۲. ویژگی های حاکم از دیدگاه سید قطب

سید قطب در خصوص حاکم اسلامی معتقد است، «در نظام حکومتی اسلام، اطاعت از هیچ انسانی وجود ندارد، مگر انسانی که شریعت خدا را اجرا و قانون الله را پیاده کند و از سوی مسلمانان عهده‌دار انجام چنین کاری بوده و سمت نمایندگی آنان را داشته باشد. (سید

قطب، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۴۸) حکام و کاردانان باید از کسانی باشند که در آنان شرط ایمان و تعریف اسلام موجود باشد و آن اطاعت از خدا و اطاعت از رسول است و حاکم مجاز است در شرایطی که نصی برای قانون گذاری وجود ندارد، از حقی که مردم به او داده اند در قانون گذاری استفاده کند. (همان، ج ۲، ص ۱۱۷)

حاکم در نظام اسلامی، قدرتش را از رجال دین نمی‌گیرد و با ادعای حق الهی نیز حکومت را به دست نمی‌گیرد. حاکم در نظام اسلامی، حق عهده‌داری حکومت را از راه بیعت آزادانه کسب می‌کند و حق اطاعت دیگران از خویش را هم تنها از طریق اجرای شریعت خدا به دست می‌آورد. تفاوت بزرگی بین این مبنا و مبنای نظام تئوکراتیک، چنان که اروپا شناخته و تجربه کرده، وجود دارد، ربانیت در نظام اسلامی، ربانیت شریعت است و نه ربانیت امرا و حاکمان. (همو، ۱۹۹۳، ص ۱۳۸)

اطاعت از فرماندهان و رؤسای مسلمانان مشروط به اطاعت ایشان از خدا و رسول است و در اموری انجام می‌پذیرد که یا از جانب خدا نیک و قانونی محسوب شده باشد یا جزو کارهایی باشد که نصی دربارهٔ تحریم آن نیامده باشد یا اصلاً نصی راجع به حلال و حرام بودن نباشد؛ ولی به هنگام اختلاف در آن در پرتو نصوص همگانی و مبادی و قواعد شریعت آسمانی جزو محرمات بشمار نیاید. (همو، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۱۸)

او یکی دیگر از وظایف حاکم را حق استنباط حقایق امور و تصمیم‌گیری در خصوص اعلام و یا پنهان داشتن آنها در وقتی که برایش اثبات شد می‌داند. (همان، ج ۲، ص ۱۷۲) به علاوه ترغیب و تشویق مسلمانان به جنگ و جهاد و میانجیگری بین آنها را هم از وظایف حاکم برشمرده است. (همان، ج ۲، ص ۱۷۶)

۳-۴. مقایسه ویژگی‌های حاکم از دیدگاه علامه فضل‌الله و سید قطب

وجه مشترك هر دو دیدگاه، علاوه بر پذیرش اصل ضرورت وجود حاکم که با عبارت «خلیفه» یا به تعبیر شیعیان «ولی جامعه» خوانده می‌شود، ضرورت اطاعت از این فرد است. هر دو نگاه، اوامر ناشی از ناحیه حاکم اسلامی را به مثابه اوامر الهی قلمداد نموده و اطاعت از آن را فرض می‌دانند و این اطاعت تا زمانی است که مطابق با شریعت اسلام عمل کنند.

۵. نقش و جایگاه مردم در حکومت

۵-۱. نقش و جایگاه مردم در حکومت از دیدگاه علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در خصوص جایگاه و نقش مردم معتقد است: «مشروعیت حاکم اسلامی بیش از هر چیز به دارا بودن شرایطی است که در اسلام برای او معین شده است؛ بنابراین، اگر حاکمی از مقبولیت مردمی برخوردار باشد ولی شرایط لازم برای حکومت یا مشروعیت الهی را نداشته باشد، نامشروع است. باید توجه داشت که منظور از مشروعیت در این باره شایستگی و (سزاواری) است، نه این که هر کس این شرایط را دارا بود، بتواند عملاً زمام حکومت را به دست گیرد؛ از این رو در صورت تعدد کسانی که شایستگی و مشروعیت الهی دارند، آنچه تعیین کننده است، مقبولیت مردمی است و اکثریت در انتخاب مسوول یا انتخاب ولی فقیه - در صورت تعدد فقها - ایفای نقش می‌کند. به اعتقاد فضل‌الله، در چنین مواردی هیچ ابزاری بهتر از رجوع به رأی اکثریت نداریم؛ البته اکثریت، حقانیت را تعیین نمی‌کند، اما از آن جا که در شرایط خاصی و در زمینه مشخصی مصداق شورا است، اعتبار دارد. وی نزدیک ترین راه حفظ نظام عمومی را در چنین مواردی، رجوع به رأی اکثریت می‌داند.» (فضل‌الله، ۱۳۸۰: ص ۲۴۱)

علامه معتقد است پشتیبانی ملت از دولت از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: «رابطه اُمّت و اسلام» و «رابطه اُمّت و رهبری بر اساس التزام رهبری به اسلام» که این امر باعث می‌شود تأیید رهبری بواسطه عشق به شخص رهبر نباشد بلکه منشأ آن در پیروی رهبر از احکام و قوانین اسلامی و تبعیت وی از سیره پیامبر و ائمه اطهار (علیه السلام) باشد. (فضل الله، ۱۳۹۶: ص ۴۳)

۵-۲. نقش و جایگاه مردم در حکومت از سید قطب

سید قطب در خصوص جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی معتقد است: «نقش این اُمّت قیومیت و سرپرستی بشریت است. باید دادگری را در زمین پیاده نماید و در این راستا نباید از محبت و مودت و دشمنی و عداوت متأثر گردد و تنها رضایت خدا را در نظر بگیرد و کسانی را متولی امور نکنند که به این آئین ایمان ندارند و فرائض را تمسخر می‌کنند و تنها ولایت کسانی را بپذیرند که با خدا و پیامبر او دوست هستند و عقیده و ایدئولوژی او را پی می‌گیرند» (سید قطب، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۳۷). شناخت دشمن هم یکی دیگر از نقش‌هایی است که مردم در حکومت دارند. (همان، ص ۳۳۸)

سید قطب با رد نظریه‌های مختلف-انتخاب حاکم از طریق نص، انتخاب حاکم به وسیله حاکم قبلی، نصب حاکم از طریق انتخاب اهل حل و عقد، تعیین حاکم از طریق قهر و غلبه و تعیین حاکم از طریق انتخاب- اهل سنت درباره شیوه‌های انتخاب حاکم معتقد است که ولایت و امامت بدون مشورت و رضایت مردم در اسلام معنی ندارد و تنها کسی حق حاکمیت بر مردم را دارد که مرضی مردم باشد (همو، ۱۹۹۲، ص ۲۸۸). وی معتقد است مبدأ حکومت در جامعه اسلامی اراده مردم است؛ زیرا آنها می‌خواهند تحت لوای این حکومت زندگی کنند؛ بنابراین، باید حاکم حق حکومت خویش را از مردم بدست آورد.

۳-۵. مقاسیه نقش و جایگاه مردم در حکومت از دیدگاه علامه فضل الله و سید

قطب

در مجموع، دیدگاه علامه فضل الله درباره مردم این است که ایشان درباره مردم نقش خاص و پر اهمیتی قائل اند که از آن تنها نمی‌توان تعبیر به مردم داری کرد؛ بلکه می‌توان گفت در دیدگاه ایشان در واقع مردم نقش فاعلی را در تحقق حکومت داشته و به عبارتی نقش آنان به گونه‌ای است که باید گفت، اراده مردم بر حکومت به شکلی تبلور یافته و خود را نشان می‌دهد. در عین حال با وجود این که مردم و نقش آنان در حکومت از دیدگاه ایشان نقش اساسی و خاص است؛ ولی مشروعیت حکومت باید از ناحیه خدا بوده و در این حوزه مردم به حکومت مشروعیت نمی‌دهند و به عبارتی باید گفت مشروعیت حکومت بر اساس آرای مردم نبوده و مشروعیت آن الهی است. لکن حکومت مشروع در عین حال با آرای مردم محقق می‌شود.

اما در بررسی عقاید سید قطب و همچنین تفکراتی که بعد از او راهش را پی گرفتند در این مورد یک دوگانگی دیده می‌شود که می‌توان نتیجه گرفت که از نظر او همه مردم درحکومت نقشی ندارند؛ زیرا که معتقد است، سرشت حکومتی که بر پایه انتخابات و تحزب بنا شده باشد با روح اسلام و شرع مغایر است. هر چند او در جایی دیگر به نقش مردم در انتخاب مجریان شریعت اذعان دارد؛ اما حق قانون گذاری آنها را نمی‌پذیرد و قانون گذاری را مختص خداوند می‌داند.

۶. مُدل حکومت

۶-۱. مُدل حکومت از دیدگاه علامه فضل الله

از دیدگاه فضل الله، حکومت امری ضروری و دولت متولی حفظ نظم عمومی است و اسلام دارای رویکردی سیاسی است. بسیاری از احکام جز در سایه دولتی اسلامی قابلیت اجرا نمی‌یابد، اما مدل حکومت اسلامی را از کتاب و سنت نمی‌توان استخراج کرد. هر مدلی که بتواند نظم عمومی را حفظ و ارزش‌های اسلامی را بگستراند و البته برآمده از اراده مردمی باشد، مطلوب است. (فضل الله، ۱۳۸۰: ص ۱۸) هر مدلی که کارآمدتر و موفق‌تر در این کار باشد مطلوب‌تر است و نص مشخصی را در میان نصوص کتاب و سنت نمی‌توان یافت که شکل حکومت را در عصر غیبت تعیین کرده باشد. وی بر آن است که اساساً تعیین شکل و الگویی واحد برای همه زمان‌ها و شرایط امکان ندارد؛ زیرا زمان و اوضاع پویا و متغیر است و در هر شرایط زمانی و مکانی و تاریخی باید تلاش کرد شکل مطلوب متناسب با آن زمان را که تأمین‌کننده حفظ نظام عمومی باشد کشف کرد. وی می‌گوید: خطاست اگر بر اسلوب معینی که سابقه تاریخی محدودی دارد جمود ورزیم، بلکه باید ابزارهای جدیدی را که تجارب انسانی در ابعاد مختلف حیات پدید آورده به کار گیریم. تفاوت شیوه‌های فعالیت و حرکت مانند تفاوت شیوه‌های دعوت است که ایستایی و جمود بر الگوی معینی را نمی‌پذیرد، بلکه تابع حرکت پویایی زندگی است؛ از این رو باید بدون التزام به الگویی واحد یا الگوهایی مشخص - جز در حد خطوط کلی شرع - الگوهای متناسب با واقعیت و اوضاع زمانه را کشف کرد و به کار بست. فضل الله اعتقاد دارد نوع و مدل مطلوب حکومت در هر زمان باید به تناسب اوضاع تعیین شود. (حُسنی، ۱۴۱۶: ص ۴۲)

وی از این میان، سه الگوی «ولایت فقیه»، «شورا» و «دموکراسی» را مورد بحث قرار

می‌دهد. (فضل‌الله، ۱۳۸۰: ص ۱۸) او معتقد است، در برخی شرایط مدل ولایت فقیه می‌تواند مدل مناسبی باشد، در صورتی که به استبداد فقیه منجر نشود و راه کارهای صیانت فقیه از انحراف وجود داشته باشد و ولی فقیه هم به نظر متخصصان رجوع و از نظرهای آنان استقبال کند. (حُسنی، ۱۴۱۶: ص ۴۲) اما هیچ نص قطعی‌ای درباره ولایت عامه فقیه که برای او حق حکومت قائل شود وجود ندارد. روایاتی هم که به رجوع به راویان احادیث معصومان فرا می‌خواند، منحصر به باب قضاست و نه حکومت؛ اما ولایت فقیه، به معنای حکومت فقیه، تنها از باب حفظ نظام عام، در جایی که حفظ نظام متوقف بر آن باشد، مقبول است؛ اما در جایی که نظامی اسلامی شکل نگرفته یا شکل گرفته ولی حفظ آن متوقف بر ولایت فقیه نیست، فقیه ولایتی ندارد. (فضل‌الله، ۱۳۸۰: ص ۱۸) مدل شورای رهبران نیز در برخی شرایط می‌تواند کارآمد باشد. اما درباره دموکراسی، نظر فضل‌الله این است که مبنای فکری دموکراسی با مبانی اسلامی که مشروعیت هر برنامه‌ای را در سازگاری آن با شرع می‌داند، ناسازگار است؛ اما اسلام‌گرایان می‌توانند از فرصتی که در نظام‌های مردم‌سالاری (دموکراتیک) فراهم آمده بهره‌برند. (حُسنی، ۱۴۱۶: ص ۴۲)

تأکید بر نهادگرایی به جایی فردگرایی و تبدیل شدن دولت به نهاد، نکته مهمی دیگری است که علامه در باب حکومت مطرح می‌سازد. طایفه‌گرایی آفت بزرگ دیگری برخاسته از فردگرایی است که در جهان اسلام وجود دارد و از عوامل عقب ماندگی جهان اسلام است. شهروند سالاری به معنای احساس برابری همه شهروندان از نظر حقوق و وظایف، مورد تأکید علامه است. (فضل‌الله، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۸)

۲-۶. مدل حکومت از دیدگاه سید قطب

سید قطب معتقد است، نظام اسلامی مجموعه کاملی است که همه ارکان و اجزای آن

باید به درستی و مطابق با شریعت عملی گردد و در غیر این صورت هیچ فایده‌ای ندارد. توجه به حق و حقوق زندگی فردی و بهره‌مندی از وسایل لازمه برای حیات و همچنین فراهم آوردن مسکن و شغل مناسب و آموزش کار و ابزار کار وظیفه دولت است که باید آنها را از طریق، مالیات از ثروتمندان و زکات فراهم آورد. (سید قطب، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۴۲۲)

هرچند که گرایش دینی کشور و حاکمیت آن بسیار مهم است؛ اما شکل و ماهیت نظام حاکم نیز اهمیت کمتری از مسئله مذکور ندارد. سید قطب اهتمام زیادی به شکل و ماهیت نظام حاکمیت اسلامی نداشت و تنها بر مرجعیت نظام حاکمیتی و عمل به احکام اسلامی تأکید داشته است. از همین روی، هیچ سخنی از سوی سید قطب مبنی بر دعوت وی به سمت حاکمیت قانون اساسی دیده نمی‌شود. اما در برخی از آثارش به نظر میرسد بهترین نوع حکومت را حکومت شورایی می‌داند. او معتقد است برای بدست آوردن رأی عمومی باید با تمام مردم مشورت کرد، بنابراین، باید مقدمات آزادی و درستی انتخابات را فراهم آورد و بدون شورورضای عمومی مردم حکومت عادلانه، عملی نیست (همان، ص ۶۷).

البته او حاکمیت مردم و اقتدار نمایندگان انتخابی را به «حاکمیت مطلق» خداوند مشروط می‌سازد. (همان، ص ۱۲۶)

۳-۶. مدل حکومت از دیدگاه علامه فضل الله و سید قطب

با نگاه به نظرات فضل الله و سید قطب در خصوص دولت مطلوب، به نظر می‌رسد، هیچ‌کدام شکل خاصی از حکومت را معرفی نمی‌کنند و شکل حکومت دینی را تابع ماهیت آن می‌دانند که کارشناسان و آگاهان در دوره‌های مختلف، متناسب با نیازهای هر زمان، آن را در چهارچوب ثابت و کلی دین ترسیم می‌کنند. هر چند سید قطب حکومت شورایی را ارجح می‌داند؛ اما مدلی برای آن ارائه نکرده است.

۷. شورا

۱-۷. نقش و جایگاه شورا در حکومت از دیدگاه علامه فضل الله

علامه فضل الله در تفسیر «وشاورهم فی الأمر» (آل عمران/۱۵۹) می‌گوید: پیامبر تصمیم می‌گیرد تا از دو طریق با مشورت دیگران امور را انجام دهد و آنها عبارتند از: اول؛ برنامه ریزی برای رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس دور شدن از استبداد در نظر و موضع گیری‌های قاطع و تصمیمات سرنوشت ساز و تأکید بر اینکه فرد به فکر دیگران که فکر صحیح دارند باز می‌گردد، دوم؛ آماده کردن ملتی که نشان دهنده پایه وسیع است تا با رهبری در مورد تمام برنامه‌ها و پروژه‌هایی که رهبری می‌خواهد انجام دهد فکر کند. (فضل الله، ۱۹۹۸: ج ۶، ص ۳۴۳)

سخن فضل الله در خصوص شورا این است که «شورا یکی از اصول مترقی اسلام و ساز و کاری کارآمد برای حل و فصل مسائل امت اسلامی است. فضل الله اصل شورا را زمینه ساز تنظیم رفتار فردی و جمعی بر اساس پرهیز از خودکامگی در عرصه تصمیم گیری و زمینه ساز مشارکت جدی مردم در تعیین سرنوشت و آمادگی برای وضعیت احتمالی خلا رهبری می‌داند. این اصل، انتخابات گوناگون مانند انتخاب رهبر، رئیس جمهور و نمایندگان را شامل می‌شود. حتی در تعیین آگاهان سنت و احکام شرع برای قانون گذاری، در صورتی که شمار آنان فراوان باشد باز باید به نظر اکثریت رجوع کرد. در صورت تعدد ولی فقیه شایسته نیز مبنایی بهتر از رجوع به رای اکثریت برای انتخاب ولی فقیه وجود ندارد» (فضل الله، ۱۳۸۰، ص ۲۴). دولت اسلامی می‌تواند به شیوه شورایی اداره شود، یعنی ساز و کار انتخابات و رجوع به آرای مردم در گزینش مدیران و رهبران مبنای عمل قرار گیرد. فضل الله

مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران را تلفیقی از ولایت فقیه و شورا می‌داند. (مرادی، ۱۳۸۱: ص ۳۳) سخن از غیر اسلامی بودن اصل انتخابات سخن ناپخته و غیر دقیقی است؛ زیرا می‌توان انتخابات را یکی از مصادیق شورا در اسلام دانست و بر این مبنا گردن نهادن به آن، حتی اگر مجلس نمایندگان در جامعه‌ای بر شیوه و برداشت خاصی از انتخابات استوار باشد، لازم به نظر می‌رسد؛ چرا که ممکن است اسلام همان مجلس را با شکل و ذهنیت دیگری برای برنامه ریزی حکومتی خود به کار بگیرد. (طرم‌ماح، حیدریان، ۱۳۸۶: ص ۶۷) علاوه بر این او معتقد است، مسئله شورا محدود به دایره رهبری نیست؛ بلکه به واقعیت عمومی مردم نیز تسری پیدا می‌کند؛ زیرا یکی از مسائل زنده‌ای است که گشودگی بیشتر آنها نسبت به یکدیگر را در جایگاه اندیشه مشترک در همه مسائشان تضمین می‌کند. از بسیاری از لغزش‌هایی که استبداد در اداره امور خود به آنها وارد می‌شوند جلوگیری می‌کند. (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ج ۳، ص ۴۲۱)

۲-۷. نقش و جایگاه شورا در حکومت از دیدگاه سید قطب

سید قطب در خصوص شورا معتقد است، این اصل از طرف خدا در نظام حکومت بنیان گذاشته شده است، حتی در آن زمان که حکومت به دست پیامبرش باشد، چنین اصلی باید رعایت شود. این نص قاطعی است که برای امت اسلامی محل شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد در این اصل، شورا یکی از اصول و ارکان سیستم اسلامی است و نظام اسلام نباید بر پایه دیگری جز آن استوار گردد. اما شکل شورا و وسیله‌ای که شورا بدان تحقق می‌پذیرد امری است که جای بحث و گفتگو دارد و برابر مقتضیات اوضاع ملت اسلامی و شرایط زندگی این امت تغییر پذیر است و مسلمانان می‌توانند درباره چگونگی آن نظر بدهند. هر شکل و فرم و وسیله و راهی که اصل شورا، نه نمای ظاهر آن، بدان انجام پذیرد

مقبول و پذیرفته اسلام است. (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۵۲) وظیفه شورا بررسی آرای گوناگون و انتخاب راهی از راه‌های پیشنهادی است و شورا دارای وقت خاص خود است و بعد از گذشت زمان شورا، دیگر جای درنگ تردید و تزلزل افکار و پشیمانی و رأی‌گیری و شور مجدد نیست؛ زیرا که نشانه نقص است و بعد از شورا تصمیم قاطعانه، اقدام به کار و اجرای فرمان و توکل بر یزدان است. (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۵۴)

۳-۷. مقایسه نقش و جایگاه شورا در حکومت از دیدگاه علامه فضل‌الله و سید

قطب

در مقایسه نظرات فضل‌الله و سید قطب به این نتیجه می‌رسیم که هر دو، شورا را اصلی برای حیات اجتماعی می‌دانند و معتقدند، نظام اسلامی بدون شورا پابرجا نخواهد بود و حتی سید قطب معتقد است، شیوه مقبول حکومت باید حکومت شورایی باشد؛ بنابراین، در پذیرش اصل شورا متفق القول اند با این تفاوت که علامه فضل‌الله شورا را قابل تحمیل بر رهبر نمی‌داند؛ اما سید قطب معتقد به رعایت آن حتی توسط پیامبر (ص) است.

۸. دموکراسی

۱-۸. دموکراسی از دیدگاه علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در خصوص دموکراسی اینگونه نظر می‌دهد که «نظام دموکراسی نظامی است که به سبب مجال‌گشایی برای جریان‌های گوناگون، می‌تواند در فرآیند جایگزینی و بدیل‌پذیری، شکل‌های حکومتی متنوع را در ساختار خویش بپذیرد؛ زیرا اکثریت‌گاه در مرحله‌ای به نظام اسلامی رأی می‌دهد و در مرحله‌ای ممکن است نظام ۱۰۱ مارکسیستی یا ملی را برگزیند، که این امر تابع قدرت نفوذی است که هر کدام از این نظام‌ها در ذهنیت مردم می‌یابند... اما درون مایه دموکراسی این است که مردم، منبع مشروعیت هر

برنامه فکری یا قانونی هستند و هیچ منبع دیگری حتی خدا و پیامبر نیز منبع مشروعیت نیست، چنان که نظامی هم که پای بند خدا و پیامبر است هم مشروعیت و قدرتش را از آرای اکثریتی می‌گیرد که آن را پذیرفته اند. تفاوت بسیاری است بین این که واقعیت موجود را در نظامی که به لحاظ فکری باطل است به رسمیت بشناسی و بپذیری و بین این که به انگیزه کاستن از مشکلات فعالیت اسلامی تن به همزیستی با آن بدهی و از بین دو شر بهترین را برگزینی. با این حال، هنگامی که از مردد بودن تحمیل عنوان دموکراسی بر نظام سیاسی اسلام سخن می‌گوییم باید این نکته حیاتی را در نظر داشته باشیم که واژه دموکراسی به سبب داشتن برخی از نشانه‌ها و مفاهیم و ارزش‌های انسانی مانند احترام به نظر و شخصیت انسان‌ها و حرکت در مسیر عدالتی که به گونه‌ای شایسته و متوازن انسان‌ها را در بر می‌گیرد و شناخت و بررسی آگاهانه و سنجیده مسائل و موضوعات و ایستادگی در برابر ظلم و خشونت که نظام دیکتاتوری نماد آن است... با صرف نظر از محتوای دقیق قانونی آن - به مفهومی اخلاقی و انسانی بدل شده است؛ بنابراین، باید در تعبیر خویش از دموکراسی دقت فراوان کنیم و تنها مبنای فکری آن را به لحاظ نظری رد کنیم نه آثار اخلاقی و انسانی آن را. (فضل الله، ۱۳۷۷: ص ۱۲۷)

۸-۲. دموکراسی از دیدگاه سید قطب

سید قطب نظام دموکراسی را انحراف از جاده دین می‌داند و با استشهاد به آیه «وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام/۱۱۶)؛ و اگر پیروی از اکثر مردم روی زمین کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، معتقد است که اینان جز از پی‌گمان (و هوا و هوس) نمی‌روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند. به پیروی از استاد خود ابوالاعلی مودودی، برای دموکراسی در

اسلام ارزشی قائل نیست و به نظر می‌رسد رأی او همان اندیشه مودودی است که می‌گوید: «اسلام یک نظام دموکراسی نیست، روش اسلام تئوکراسی است به این معنی که وقتی فرمان صریح خدا و پیامبر او وجود داشته باشد، هیچ رهبر یا قانون‌گذار مسلمانی نه حتی قاطبه مسلمانان جهان، حق ندارند کوچکترین تغییری در آن ایجاد کنند.» (مودودی، ۱۳۵۷: ص ۲۸)

وی می‌گوید: «باید قاعده و قانونی باشد که با آن عقاید، جهان بینی ها، معیارها، ارزش ها، تلاش‌ها و کردارهای مردمان را قضاوت کرد. گذشته از اینها، باید مرجعی باشد که برای این ارکان و اصول معیارها و میزان‌هایی وضع کند و تنها خداوند است که حق دارد چنین معیار و میزانی را وضع کند و مردمان را با آن بسنجد. اسلام معیارهای را می‌پذیرد که یزدان سبحان آن را وضع و مقرر فرموده است. این چنین معیارهایی با دگرگونی شکل‌های جامعه‌ها ثابت می‌ماند و با چنین معیارهای پرورده و بالنده می‌گردد.» (سید قطب، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۹۱۶)

۸-۳. مقایسه دموکراسی از دیدگاه علامه فضل‌الله و سید قطب

در بررسی نظرات هردو مفسر به وضوح پیداست که هیچ کدام دموکراسی با مفهوم رایج آن را نمی‌پذیرند به جهت اینکه در دموکراسی منبع مشروعیت حاکمان مردم هستند، درحالی که مشروعیت حکومت اسلامی الهی است و نه مردمی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

آنچه که می‌توان از مقایسه نظرات علامه فضل‌الله و سید قطب در خصوص حکومت

نتیجه گرفت این است که:

- هر دو مفسر توجه کامل به قرآن و دستورات آن دارند و قرآن را جاری و ساری در تمام شئون زندگی می‌بینند.

- سید قطب دارای گرایش انقلابی رادیکالی بوده است و استراتژی او برای ایجاد تغییر کاملاً متفاوت از علامه فضل الله است. او بر این باور بود که تنها موعظه، نصیحت و فعالیت‌های تبلیغی برای ایجاد و اعمال تغییر کافی نیست. سید قطب اعتقاد داشت، نمی‌توان با کسانی که ولایت خداوند را غصب کرده‌اند تنها با زبان موعظه و نصیحت سخن گفت؛ زیرا آنها تنها از رهگذر فعالیت‌های تبلیغی، به صورت داوطلبانه تن به ولایت خداوند نخواهند داد؛ بنابراین، وی همگان را به تشکیل جنبش جهادی برای مقابله با نظام جاهلیت مدرن فراخواند.

- هر دو معتقدند قوانین اسلامی پاسخگوی نیازهای اساسی جوامع بشری بوده و برای تشکیل حکومت کافی است.

- هر دو حاکم اسلامی را کسی می‌دانند که مجری دستورات و قوانین الهی باشد در غیر این صورت عزل خواهد شد.

- در بحث نقش مردم در مشروعیت اتفاق نظر ندارند هرچند که هر دو گروه معتقدند منشاء ذاتی بودن مشروعیت، خداوند است.

- علامه فضل الله پذیرش دموکراسی را به معنای پذیرش مبانی آن که مشروعیت را مبتنی بر رأی اکثریت تعریف می‌کند، نمی‌داند اما آنرا کم ضررترین شیوه برای دستیابی اسلام‌گرایان به موقعیت‌های برتر و اهرم قدرت، توصیف می‌کند. اما سید قطب پذیرش دموکراسی را با مفهومی رایجی که اکنون از آن برداشت می‌شود، انحراف از جاده دین می‌داند و معتقد است در اسلام از آنجا که حکم، حکم

خداوند است و نه حکم مردم، هر رأی و نظری که مطابق با حکم خدا نباشد مردود است.

- علامه فضل الله، شورا را در همه شئون جامعه اسلامی ضروری می‌داند و آن را عامل موفقیت و سلامت جامعه می‌بیند. سید قطب هم معتقد به اصل شورا است و آنرا یکی از اصول و ارکان سوسیستم اسلامی می‌داند که نظام اسلام نباید بر پایه دیگری جز آن استوار گردد؛ بنابراین، هر دو در پذیرش اصل شورا متفق القول هستند با این تفاوت که علامه فضل الله شوری را قابل تحمیل بر رهبر نمی‌داند اما سید قطب معتقد به رعایت آن حتی توسط پیامبر است.

- هر دو معتقدند، بهترین الگوی حکومت، آن است که نظام عمومی را حفاظت کند و مدل خاصی را ارائه نمی‌دهند و هر مدلی که کارآمدتر و موفق‌تر در این کار باشد، از نظر وی مطلوب است.

فهرست منابع

قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. نهج البلاغه، (۱۳۷۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ ۱۵، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۲. آدینه نند، ابوطالب و پروینی، خلیل، (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت، در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن، مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، سال سوم، بهار و تابستان، ش ۵.
۳. آقا نظری، حسن، (۱۳۹۹)، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ ۱، انتشارات سمت، تهران.
۴. آژینی، محسن، (۱۳۷۴)، اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ)، لسان العرب، انتشارات دارصادر، بیروت.
۶. آربالستر، آنتونی، دموکراسی، حسن مرتضوی، انتشارات آشیان، ۱۳۷۹.
۷. الهی، عبدالحی، (۱۳۹۷)، حکومت و حکومت اسلامی، چاپ دوم، بی جا.
۸. بشیریه، حسین، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
۹. پوریا، علی (۱۳۹۶)، اصول اقتصادی از منظر قرآن، روزنامه کیهان ۲ اسفند ۹۶.
۱۰. جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۷۷)، اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمد باقر صدر (ره)، چاپ ۱، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۱۱. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۶۲)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.

۱۲. حسینی، سلیم، (۱۴۱۶ق)، صراع الارادات، درالملاک، بیروت.
۱۳. حسینی میرصفی، (۱۳۹۵ش)، گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر، بینات، ش ۲۰، سال بیست و سوم، بهار و تابستان.
۱۴. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، تهران.
۱۵. جلالی، خدیجه، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی رویکرد اجتماعی در تفسیر فی ظلال القرآن و من وحی القرآن، پایان نامه کار پروینی خلیل، استاد راهنما، دانشکده علوم قرآنی تهران.
۱۶. درخشه، جلال و نجاتی، حمزه، (۱۳۹۴ش)، مقایسه تطبیقی بین آرا و اندیشه های سید قطب و امام خمینی پیرامون حکومت اسلامی، سیاست پژوهی جهان اسلام، دوره ۲، ش ۱.
۱۷. دهخدا؛ علی اکبر؛ (۱۳۷۷ش)، لغت نامه؛ انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت.
۱۹. رکابیان، رشید، (۱۳۹۲)، بازسازی حکومت اسلامی در اندیشه سید قطب، فارس، <https://www.farsnews.ir>
۲۰. زرشناس، شهریار، (۱۳۸۷)، درباره دموکراسی، کتاب صبح.
۲۱. سید قطب، (۱۴۱۲ق)، آینده در قلمرو اسلام، ترجمه سید علی خامنه ای، مشهد، انتشارات سپیده.

۲۲. سید قطب، (۱۳۶۰ش)، مقابله اسلام با سرمایه داری، ترجمه: سید محمد رادمنش، چ ۴، انتشارات بنیاد علوم اسلامی.
۲۳. سید قطب، (۱۳۷۸ش)، معالم فی طریق، ترجمه سید محمود محمودی، چ ۱، انتشارات احسان، تهران.
۲۴. سید قطب، (۲۰۰۷م)، دراسات الاسلامیه، دارالشروق، بیروت.
۲۵. سید قطب، (۱۹۹۳م)، نحو مجتمع اسلامی، دارالشروق، بیروت.
۲۶. سید قطب، (۱۳۹۲ش)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و هادی خسروشاهی، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۷. سید قطب، (۲۰۱۲م)، اسلام و دیگران، ترجمه سید محمد شیرازی، بی جا.
۲۸. سید قطب، (۱۳۸۶ش)، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، نشر احسان، تهران.
۲۹. سوزنگر، سیروس، (۱۳۸۳)، اندیشه های سیاسی سید قطب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، فقه سیاسی اسلام، چاپ ۲، انتشارات بوستان کتاب، قم.
۳۱. طرماح، احمد؛ حیدریان، قاسم، (۱۳۸۶ش)، کیمیای نظر، انتشارات چهارده معصوم (ع)، قم.
۳۲. علیپور، عفت، (۱۳۸۹)، ۹، اندیشه سیاسی سید قطب» ناشر احسان، چ ۱.
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۷)، فقه سیاسی، چاپ ۴، انتشارات امیر کبیر، تهران.

۳۴. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۳۷۷ش)، آزادی و دموکراسی قرائتی اسلامی، ترجمه مجید مرادی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱، ش ۳.
۳۵. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۳۸۰ش)، فقه زندگی، ترجمه مجید مرادی، انتشارات دارالملاک، قم.
۳۶. فضل‌الله، محمد حسین، گفتگو با مجله المنطق (۱۹۹۵)، ش ۱۲.
۳۷. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۹۹۸م)، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک.
۳۸. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۴۱۸ق)، الجهاد، چاپ دوم، دارالملاک، بیروت.
۳۹. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۹۹۶م)، خطاب الاسلامیین و المستقبل، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک.
۴۰. فضل‌الله، محمد حسین، (۱۳۹۶)، فقیه وامت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۴)، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۲. قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۰ش)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. صالح، محمد مهدی و همتی، فتحعلی، (۱۳۹۷)، بررسی مفهوم حکومت اسلامی در اندیشه‌های سیاسی سید قطب، دوره ۳، ش ۱۱، خرداد.
۴۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲)، مجمع البحرين، انتشارات مرتضوی، تهران.

۴۵. محمدی، زهرا، (۱۳۹۸ش)، حکومت اسلامی از دیدگاه ماوردی، ابن تیمیه، سید قطب و عبدالسلام فرج، کلام حکمت سال دوم پاییز و زمستان، ش ۴.
۴۶. مرادی، مجید، (۱۳۸۱ش)، اندیشه سیاسی آیت الله سید محمد حسین فضل الله، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، ش ۱۸.
۴۷. مرادی، مجید، (۱۳۹۸ش)، ابعادی از جهانی اندیشی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل الله، حوزه، ش ۱۵۵.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۵)، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، دارالکتاب الاسلامیه، قم.
۴۹. مرادی، مجید، (۱۳۸۱)، اندیشه های سیاسی آیه الله محمد حسین فضل الله، علوم سیاسی، ش ۱۸.
۵۰. میرزایی، نجف علی، (۱۳۹۴)، فرهنگ اصطلاحات معاصر، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
۵۱. مودودی، ابوالاعلی، (۱۳۵۷ش)، تئوری سیاسی اسلام، ترجمه محمد مهدی حیدر پور، انتشارات بعثت، تهران.
۵۲. موسوی خلخالی، محمد مهدی، (۱۸۳۱)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات.
۵۳. نفیسی، شادی، (۱۳۹۳ش)، تفسیر اجتماعی قرآن؛ چالش تعریفها و ویژگیها، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش دو بهار و تابستان ۱۹۹۳.
۵۴. وینسنت، اندرو، (۱۳۹۱ش)، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، تهران.